

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

مهران
۱۴ جنوری ۲۰۱۹

تحریم ها و وضعیت زندگی در ایران

در طی بیش از ۴۰ روز گذشته رژیم جمهوری اسلامی با فریب و دوز و کلک های روانی در بازار ارز و با بالا و پائین کشیدن قیمت دالر و دیگر ارزهای موجود و اعدام دو نفر از صرافان بزرگ بازار ارز، با یک تیر چندین نشان را هدف قرار داده است. جمهوری اسلامی اولاً سلطه بلامنازع خود را مجدداً بر بازار ارز که در حال تلاطم و ناشی از تبلیغات تحریم ها بود تثبیت کرد. دوم هزاران نفر از مردمی را که با تبلیغات فریبنده و تحریم سرمایه های خود را در بازار ارز برای خرید دالر و حفظ سرمایه ها وارد کرده بودند با فروش گران تا ۱۶ هزار تومانی و سپس در مدتی کوتاه با پائین آوردن قیمت دالر به سطح ۱۰ هزار تومان، میلیارد ها دالر را از جیب نه دلالتان ارز بلکه مردمی که یک عمر برای پس اندازهای خود زحمت کشیده بودند بالا کشید و در عین خانه خرابی دهها هزار خانواده در ایران قیمت کالاها را آنچنان افزایش داد که یک شبه قدرت خرید ها را تا ۳۰۰ در صد پائین آورده است. آنچه که رژیم جمهوری اسلامی از این سیاست نصیبش شده است میلیارد ها دالر پولی است که به طور غیر قانونی وارد سیستم دولتی از طریق فروش سکه و ارز توسط بانک مرکزی ولی توسط دلالتان خصوصی شده است که در حساب و کتاب های دولتی قابل بررسی نیست و از نوع پول هائی است که به طور سنتی در جمهوری اسلامی توسط آقازاده ها و عوامل دولتی بالا کشیده شده و یا در بودجه های سیاست امنیتی و خارجی و غیره صرف می شود.

تحریم های امریکا علیه ایران که بسیار جنایتکارانه طراحی شده است و مستقیماً مردم و به ویژه فقیرترین آنها را هدف قرار داده است ظاهراً برای تنبیه حکومت ایران در نظر گرفته شده است. اما این نوع تحریم ها که قبلاً عراق، لیبیا و برخی کشورهای دیگر را هدف قرار داده بود دارای نتایج بس اسفناکی برای مردم این کشورها بود. جهش قیمت کالاهای اساسی از مواد غذایی تا کالائی و بهداشتی از اولیه ترین نتایج این نوع تحریم های امپریالیسم امریکا علیه کشورهای مخالف است. مجموع برخوردها و حرکات رژیم جمهوری اسلامی و دولت امریکا نشان می دهد که هردوی آنها از قبل این جنگ تحریمی از سودهای بادآورده ای برخوردار شده اند. رژیم این پول ها را از قبل دزدی از جیب مردم و دولت امریکا از قبل فروش اسلحه ناشی از بالا گرفتن تشنج های سیاسی نظامی در خاورمیانه به دست می آورند و هردوی آنها منافع مشخصی را دنبال می کنند. رژیم جمهوری اسلامی بخوبی می داند که در طولانی مدت قادر به پایداری اقتصادی و سیاسی در برابر فشار تحریم های امریکا نخواهد بود مگر این که در سطح بین المللی متحدینی پیدا کند که بتواند با بهره گیری از آنان یا تحریم ها را دور زده و یا آن را بی اثر کند و نهایتاً برای خود زمان بخرد.

رژیم به علت روابط حسنه با چین و روسیه و هند تا حدی در گذشته توانسته است که فشارهای بین المللی به ویژه از جانب امریکا را بی اثر کند. اما این بار وضعیت متفاوت است .

سیاست فشار حداکثری ترمپ نه تنها بر رژیم ایران بلکه بر تقریباً تمامی مخالفان و یا رقبای بین المللی ظاهراً نشان داده است که توانسته است اروپا را به موضع مخالفت بکشانند. اما این رفتاری که اروپا در رابطه با تحریم ها پیش گرفته است و می خواهد با راهکارهای خود بتواند سیاست "مستقل" خود را پیش بگیرد مسأله ای است که احتیاج به کار درازمدت برای ایجاد ساختارهای متعدد بانکی ، اقتصادی و..... دارد. در واقع سیاست کنونی اروپا برای تشکیل کمیسیون مشترک مالی برای ارتباط با ایران ، تنها به ایران محدود نخواهد شد و در آینده در برابر امریکا قد علم خواهد کرد. موضوعی که امریکا بشدت با آن مخالف است و می داند که این سیاست می تواند در آینده سیاست های تحریمی امریکا را بدون تأیید اروپا بی اثر کند . اما در حال حاضر اروپا به علت در هم تنیدگی سرمایه ها در سطح بین المللی و عدم آمادگی مادی قادر به فرار از سیاست های هژمونی طلبانه امریکا در بسیاری زمینه ها من جمله ارتباط با ایران و دور زدن تحریم ها در مرحله فعلی نیست. معطل کردن اروپا در ایجاد این نهاد مالی هم از همینجا ناشی می شود. در گذشته هم اروپا مواضعی همچون امریکا علیه مخالفان خود اتخاذ نمی کرد بلکه بعد از موضع گیری های امریکا از آن پشتیبانی می کرد. مخالفت اروپا و سیاست دو دوزه بازی کردن با ایران از شرایط بسیار نااثبات اقتصادی و بحران های اجتماعی اتحادیه اروپا ناشی می شود. امریکا هنوز حقوق جهانی دوم را در اروپا برای خود محفوظ می داند در حالی که کشورهای معظم اروپا و به طور مشخص المان و فرانسه تلاش برای خارج شدن از زیر سرکردگی امپریالیسم امریکا داشته و خواهان نفوذ در بازارهای جهانی بدون ممانعت امریکا هستند. در واقع پیچیدگی اوضاع امکان مانورهای اقتصادی و سیاسی نه تنها برای امریکا بلکه ایران هم باز کرده است که در بین قطب های بین المللی مانور دهد اگر چه دامنه این مانورها در مسأله تحریم ها خیلی کارساز نبوده است. با تمام این احوال هنوز زود است که گفته شود ایران زیر فشار امریکا سرخم خواهد کرد. آنچه که روشن است تحریم های امریکا تأثیرات سنگینی بر مردم و رژیم جمهوری اسلامی داشته است. این تأثیرات سنگین بر روی مردم با رژیم دارای تفاوت های کاملاً بارزی است . مردم با شتاب به سوی فقر و مسکننت بیشتر سوق داده می شوند اما جمهوری اسلامی به علت تنگناهای بانکی و نفتی دامنه فعالیت های نفوذ در مناطق مختلف، مقابله نظامی و ادامه سیاست هایش در سوریه و یمن و عراق و مشغول کردن امریکا در خاورمیانه را به مقدار زیادی از دست خواهد داد. از هم اکنون رژیم جمهوری اسلامی مجبور شده است که از دست و دلبازی های بودجه ئی دست برداشته و بسیاری از بودجه های نهادهای دولتی و زیر مجموعه دولتی، عمرانی، فرهنگی، خارجی و.... را کاهش داده و یا قطع کند. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی هر چه بیشتر مورد نفرت عمومی قرار می گیرد اما مجبور شده است که با تغییر روش ها و سیاست ها سرکوب های گسترده را در دو عرصه شمشیر از رو بستن و برخورد ظاهراً پاسیو با تظاهرات توده ئی و اعتراضات، اجتماعی جلو ببرد. این دوسیاست باعث شده است که در عین این که امکان مانور رژیم را افزایش دهد ولی اعتراضات اجتماعی با قدرت بیشتری در روی صحنه ظاهر شوند. پروسه نچندان طولانی در آینده تعیین خواهد کرد که کدام نیروی اجتماعی از اصلاح طلبان حکومتی تا ترمپیست های وطنی و یا نیروی رادیکال چپ و کارگری قادر به قدرت گیری اجتماعی خواهد بود . کاسه صبر مردم لبریز شده است. فقر بشدت گسترش یافته است. بیکاری به صورت گروه های وسیع خیابانی کاملاً قابل مشاهده هستند. عقب نشینی های رژیم که کاملاً موردی و تحت فشار بوده است نتوانسته است که نه فقر را کاهش دهد و نه جامعه را به لحاظ روانی آرام کند. خلاصه کنیم دیگر تیغ سرکوب رژیم به مردم نمی بُرد. روحانیت و مذهب کاملاً شکل تقدسی بودن خود را از دست داده اند و بسیاری از مردم از مذهب فاصله گرفته اند. رژیم

اسلامی از دو جانب تحت فشار است یکی از جانب توده های به جان آمده با سمت براندازی دومی از جانب امریکا برای دست برداشتن از برخی سیاست ها و تسلیم و همکاری با امریکا به علت ترس شدید حاکمان از جنبش های مردمی در بین عناصر و جناح های رژیم اختلافات جدی بر سر مذاکره با امریکا به خاطر گذار از این مخصصه موجود است. آیا این امکان وجود دارد که روسیه بتواند مشکلات اقتصادی رژیم را حل کند؟ مشکل این جاست که نگاه روانی جامعه به غرب و نگاه سیاسی حاکمیت به شرق است. این نگاه اجتماعی به غرب در طول یک سده شکل گرفته است در حالی که نگاه سیاسی به شرق توسط حاکمیت جدیداً در دو الی سه دهه گذشته به وجود آمده است. و این تضاد تقابل نانوشته ای را به صورت روزمره دامن می زند. تضاد ناشی از تأثیر تقابلات امپریالیستی در جامعه ایران.

برای جمهوری اسلامی و اروپا خرید زمان در برابر حفظ اوضاع کنونی به این دلیل که امریکا در طولانی مدت قادر به فشار مداوم بر رقباء و نیز ایران نخواهد بود. با پائین رفتن قیمت نفت این تنها ایران نیست که متضرر خواهد شد بلکه کشورهای دیگری هم دچار ضررهای سنگین و کمبود بودجه نفتی خواهند شد که متحد امریکا به عنوان تولید کننده نفت خواهند بود. همانطور که جمهوری اسلامی با دالر به سرکیسه کردن مردم مشغول است، دولت امریکا هم با بالا و پائین کشیدن قیمت نفت و دخالت در قیمت گذاری دیگر اقلام مورد احتیاج کشورهای مخالف مشغول سرکیسه کردن آنها و به ویرانی کشیدن اقتصاد آن کشورها است.

شرایط سختی که رژیم جمهوری اسلامی در آن گیر کرده است که یکی از مشکلاتش مسئله تحریم های امریکا و قیمت نفت و مبادلات مالی بین المللی است. اما به علت این که رژیم جمهوری اسلامی سالها هر مسئله و مشکلی را که پیش آمده به گردن امریکا و اسرائیل گذاشته است دچار حکایت آن چوپان دورغگوئی شده است که وقتی گرگ به گله گوسفندان زد مردم که فکر می کردند چوپان همیشه دورغ می گوید اعتنائی به در خواست کمک چوپان نکردند. جمهوری اسلامی در سال هائی که حداقل حدود ۱۰۰ میلیارد دالر درآمد نفتی داشت و مردم در فقر بودند گناه فقر و بدبختی مردم را به گردن امریکا می گذاشت ولی حالا که امریکا حداکثر فشار را بر این رژیم گذاشته است. مردم دیگر به یک رژیم دزد و دورغگو دیگر اطمینان نمی کنند. به همین دلیل حتی رهبران رژیم به این موضوع که مردم دیگر این رژیم را نمی خواهند به صراحت اذعان می کنند.

فشار اقتصادی از یک سو و از دست دادن کامل حداقل مشروعیت رژیم اسلامی توسط اکثریت مردم، باعث رشد و گسترش اعتراضات اقشار تحتانی جامعه اعم از کارگران و معلمان، زنان، دانشجویان، روشنفکران و نیروهای سیاسی و.... شده است. رژیم جمهوری همچون بختکی پوسیده در برابر اعتراضات دائمی هر چه بیشتر به طرف مرگ محتوم خود پیش می رود. اما به علت این که هنوز آن آلترناتیو مورد اعتماد اکثریت عظیم توده های مردم به وجود نیامده است، احتمال شکست و برگشت ورق به نفع رژیم وجود دارد. در اوضاع حساس کنونی که هنوز مسئله کی بر کی روشن نیست، رژیم در نفرت عظیم توده گیر کرده است و نیروهای بورژوائی در حکومت و اپوزیسیون بی هویت شده اند.

وظیفه سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی بر دوش طبقه کارگر تحت رهبری حزب کمونیست است که با درهم شکستن این رژیم قرون وسطائی نقطه پایانی بر یکی از دوره های سیاه تاریخ ایران بگذارد. طبقه کارگر در دهه گذشته نشان داده است که توانائی مبارزاتی و قدرت اجتماعی کافی را برای این کار دارد. نکته مرکزی کمبود وجود یک حزب کمونیست است که در عین رهبری طبقه کارگر دیگر زحمتکشان جامعه را زیر پرچم خود متحد کرده و به یک آلترناتیو توده ئی تبدیل شود. هر تغییری در این اوضاع با نیروهای بورژوائی و با توسط آنها هیچ دردی از مردم را ما درمان نخواهد کرد و وضعیت کنونی را به دوری تکرار و تاریخی تبدیل خواهد کرد تاریخی که چند دهه یک بار با

تغییر رژیم ها در ایران سرکوب ها نیز مجدداً از سر گرفته و جنبش کارگری – کمونیستی را زیر ضرب و سرکوب خواهد گرفت. حتی اگر اعتراضات کنونی به انقلاب دیگری فرا روید بدون نقش رهبری کمونیستی، آنهم با شکست دیگری روبه رو خواهد شد. برای جلوگیری از تکرار مضحک دوباره تاریخ باید آستین ها را بالا زد و برای ایجاد حزب کمونیست واحد، مبارزه جدی را علیه فرقه گرایی پراکندگی کمونیست ها به پیش برد. در این راستا و با توجه به شتاب روند تحولات طبقات اجتماعی و شدت گیری مبارزات طبقاتی در ایران آلترناتیوی که برای آزادی و سوسیالیسم می جنگد بی شک تنها آلترناتیو ممکن متریقی خواهد بود.